

## قصور در حضور نزد مرجع داوری بین المللی با تاکید بر قضیه چین و فیلیپین

سیدفخرالدین مختاری<sup>۱</sup>، محمدعلی صلح‌چی<sup>۲</sup>، منصور پورنوری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

**چکیده:** رعایت اصل تناظر ملازمه با این امر دارد که دادرسی در غیاب یکی از طرفین انجام نشود و از سوی دیگر رعایت منافع طرفی که به مرجع صالح مراجعه کرده است، مستلزم ادامه رسیدگی و صدور رای قاطع است. اگر یک کشور بتواند با عدم حضور نزد مرجع صالح، صلاحیت رسیدگی را از آن مرجع سلب نماید این امر بشدت، اعتبار شیوه‌های مسالمت آمیز حل اختلافات را متزلزل خواهد نمود. چین در سال ۲۰۰۹ با صدور نقشه‌ای که به دبیر کل سازمان ملل متحد داده شد، خبر از ترسیم خط ۹ نقطه‌ای در دریای چین جنوبی داد. فیلیپین به عنوان معترض‌ترین کشور، مدعی بروز یک اختلاف بین‌المللی بدلیل ناسازگاری خط ۹ نقطه‌ای چین با کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) شد و در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ با استناد به مقررات کنوانسیون دادخواست خود بر علیه چین را به دیوان داوری متشکله بر اساس پیوست ۷ فصل پانزدهم کنوانسیون ارجاع داد. چین در تمام مراحل رسیدگی، از شرکت کردن خودداری نمود چراکه دیوان داوری را فاقد صلاحیت برای رسیدگی به اختلاف می‌دانست. این مقاله بر آن است تا اعتبار فرآیند رسیدگی به اختلافات را در صورت قصور در حضور نزد مرجع رسیدگی‌کننده مورد پژوهش قرار دهد. نتیجه‌ای کلی تحقیق اینست که کشور غایب در رسیدگی همچنان بعنوان یک طرف دعوا محسوب شده و صرف عدم حضور، باعث زوال این موقعیت یا از بین رفتن صلاحیت مراجع صالح به رسیدگی نمی‌شود؛ اما تکالیف ویژه ای برای مرجع رسیدگی ایجاد می‌گردد که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**واژه های کلیدی:** قصور در حضور، صلاحیت، دیوان داوری، اختلاف بین المللی، کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲)

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه حقوق بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مقاله مستخرج از رساله می‌باشد).

<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

solhchi@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق بین الملل، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

از آنجاییکه نهاد داوری علی‌الاصول یک روش اختیاری حل و فصل اختلافات می‌باشد اصل بر اینست که با انعقاد موافقت‌نامه داوری؛ در صورت بروز اختلاف، طرفین با همکاری یکدیگر بطور فعال در رسیدگی شرکت خواهند کرد. در صورت عدم مشارکت یکی از طرفین اختلاف در فرآیند دادرسی، داوران باید قبل از اقدام به داوری تا حد امکان خود را متقاعد کنند که بر اساس اسناد و اطلاعات موجود صلاحیت ادامه داوری و صدور رای را دارند و یک اختلاف عینی در هنگام اقامه دعوی وجود داشته و طرفین بدرستی از روند رسیدگی مطلع شده‌اند؛ حتی اگر هیچ اعتراضی از سوی طرفین مطرح نشده باشد. همچنین داوران باید خود را نسبت به این موضوع نیز متقاعد کنند که به طرف غائب فرصت منصفانه برای ارائه اسناد و مدارک داده شده و آن طرف عذر موجهی برای عدم مشارکت خود نداشته باشد. عدم حضور یک طرف یا عدم ارایه دفاعیه خود نباید به عنوان پذیرش ادعاهای طرف شرکت‌کننده تلقی شود.

کشور فیلیپین و کشور چین از اعضای کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) بوده که فیلیپین آن را در ۸ می ۱۹۸۴ و چین در ۷ ژوئن ۱۹۹۶ تصویب کردند. بر این اساس و چنانچه بین آنها اختلافی در رابطه با تفسیر یا اجرای این کنوانسیون وجود داشته باشد، هر دوی این کشورها ملزم به حل و فصل اختلافات به طرق مقرر در فصل ۱۵ کنوانسیون هستند. در تاریخ ۲۲ ژانویه سال ۲۰۱۳ دولت فیلیپین با استناد به مقررات مندرج در بخش ۲ از فصل پانزدهم کنوانسیون و در راستای عمل به مقرره ورود به رسیدگی داوری از طریق اطلاع‌رسانی به دیگر طرف دعوا، مبادرت به اطلاع‌رسانی برای ارجاع دعوا به دیوان داوری و رسیدگی به اتهامات وارده به دولت چین در خصوص دریای چین جنوبی نمود. فیلیپین با استناد به این کنوانسیون و به هدف حل اختلاف لایحه و دادخواست خود را به دیوان داوری تقدیم نمود. خواسته‌های فیلیپین از دیوان داوری موارد متعددی بود، از جمله: ۱- حقوق خاص طرفین و تکالیف آنها در دریای چین جنوبی ۲- رسیدگی دیوان داوری به ادعاهای چین در مورد خطوط ۹ نقطه‌ای ۳- توصیف درست ویژگی‌های دریایی بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها و ۴- احقاق حق فیلیپین در مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره که این آرا بر اساس ماده ۱۱ ضمیمه هفتم کنوانسیون برای طرفین اختلاف قطعی و لازم‌الاجرا بود (میرزاده، ۱۳۹۷: ۸۸). اما کشور چین اساساً دیوان را دارای صلاحیت نمی‌دانست و قایل به وجود اختلاف بین طرفین نبود چرا که کشور چین خود را دارای حاکمیت تاریخی بر موضوع می‌دانست و در نتیجه موضوع را اساساً خارج از قلمرو تفسیر یا اجرای قوانین و مقررات کنوانسیون مذکور می‌-

پنداشت.

فیلیپین مسئله حاکمیت بر جزایر و منابع مورد اختلاف را در سال ۲۰۱۳ و بر مبنای ضمیمه هفتم کنوانسیون حقوق دریاها بر علیه چین به دیوان داوری ارجاع داد. دولت وقت مانیل با اعتراض به ادعای مالکیت بر دریای مذکور توسط چین خاطرنشان ساخت که حتی عارضه های جزیره ای که تحت حاکمیت چین قرار دارند نیز جزیره نیستند و به تبع منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره خاص خود ندارند. به علاوه تحدید حدود ادعای چین بر مبنای نقشه موسوم به خط ۹ نقطه‌ای بر خلاف حقوق بین الملل دریاها است. (سالاری، ۹۸، ۲۷) لذا این خطوط را از منظر حقوقی فاقد اعتبار قلمداد کرده و نامشروع دانست.

دیوان داوری پیرو دادخواست فیلیپین فرایند رسیدگی را آغاز نمود و در همان بدو امر با ایرادات متعدد صلاحیتی و ماهیتی کشور چین مواجه شد. این ایرادات در حالی از سوی کشور چین به دیوان داوری وارد می‌شد که این کشور هرگز در فرایند رسیدگی دیوان مذکور شرکت نکرد. این کشور در تشکیل دیوان با فیلیپین همکاری نکرد، لایحه متقابل در پاسخ به لایحه فیلیپین تقدیم نکرد، در جلسه بررسی صلاحیت در جولای ۲۰۱۵ دیوان داوری شرکت نکرده و هزینه مورد درخواست دیوان داوری جهت هزینه های داوری را نپرداخت و نامه‌های دیوان داوری را که توسط دفتر ثبت، ارسال شده بود عودت داد و توضیح این کشور صرفاً این بوده که داوری که توسط فیلیپین شروع شده است را نمی‌پذیرد.

در نهایت و بر خلاف اعتقاد چین، دیوان داوری تاسیس شده بر اساس پیوست هفتم کنوانسیون، با صدور رای صلاحیتی و قابلیت پذیرش دعوا<sup>۱</sup> صلاحیت خود برای رسیدگی به اختلاف ارجاع شده توسط فیلیپین را احراز کرد و هیچ یک از استدلالات چین را مانعی برای کسب صلاحیت خود ندانست و با صدور آرای صلاحیتی و ماهیتی ادعای مشروعیت خط ۹ نقطه‌ای چین را مردود اعلام کرد.

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر عدم حضور یک طرف دعوا و تاثیر آن بر دادرسی و صلاحیت مرجع صالح به رسیدگی و همچنین تکالیف خاص مرجع در فرض عدم شرکت یکی از

<sup>۱</sup> Award on Jurisdiction and Admissibility, AN ARBITRAL TRIBUNAL CONSTITUTED UNDER ANNEX VII TO THE 1982 UNITED NATIONS CONVENTION ON THE LAW OF THE SEA, PCA Case N 2013-19.

طرفین اختلاف در فرآیند دادرسی است. در این راستا و در جهت احراز صلاحیت یک مرجع؛ استثنائات اختیاری، ممنوعیت ها و محدودیت های حقوقی وجود دارد که مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

سوال اصلی در این تحقیق اینست که قصور در حضور نزد مرجع داوری بین المللی چه تاثیری بر صلاحیت و فرآیند رسیدگی آن مرجع دارد؟ فرضیه تحقیق نیز چنین است که قصور در حضور تاثیری در صلاحیت مرجع رسیدگی کننده نخواهد داشت اما تکالیف ویژه ای را بر عهده مرجع دارای صلاحیت مستقر خواهد نمود.

جنبه نوآوری این پژوهش، تحلیل فرآیند احراز صلاحیت مرجع داوری در صورت قصور در حضور یک طرف اختلاف می باشد. از آنجاییکه در قضیه فیلیپین بر علیه چین، دیوان داوری رسیدگی را دو قسمت نموده و ابتدا رای صلاحیتی خود را در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۱۹ انشا نموده و سپس در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۶ اقدام به صدور رای ماهیتی نمود، حقوقدانان داخلی بیشتر تمرکز خود را معطوف به بررسی رای ماهیتی دیوان کرده و پرداختن به رای صلاحیتی و آثار عدم مشارکت چین بر فرآیند احراز صلاحیت مرجع مذکور، مغفول مانده است؛ در نتیجه با پرداختن به موضوعات مذکور جنبه نوآورانه این تحقیق آشکار می گردد. همچنین تمایز این مقاله از دیگر مقالات، معطوف نمودن تحقیق بر فرآیند رسیدگی مقدماتی دیوان، با وجود قصور در حضور یک طرف اختلاف و آثار این عدم حضور بر دادرسی و در نهایت بررسی تکالیف مرجع داوری برای حفظ حقوق کشور غائب می باشد.

## ۱-۲ بررسی عدم حضور نزد مرجع صالح به رسیدگی

اصل اساسی حاکم بر رسیدگی نسبت به موضوعات صلاحیتی نزد یک دیوان بین المللی ساده است؛ "یک کشور نباید مجبور به ارایه یک لایحه دفاعیه از خودش در مورد موضوعات ماهیتی مطرح شده نزد یک دادگاه که فاقد صلاحیت در مورد اختلاف است یا صلاحیت اش هنوز ایجاد نشده است، بشود" (Appeal Relating to the Jurisdiction of the ICAO Council, 1972: p 56). در تقویت این اصل دیوان بین المللی دادگستری بیان نمود که: "وقتی یک طرف اختلاف ایرادات مقدماتی مطرح می کند، بایستی این ایرادات در مرحله مقدماتی رسیدگی و پاسخ داده شود مگر اینکه دادگاه تمام حقایق مورد نیاز برای تصمیم گیری نسبت به مسایل ایجاد شده را نزد خودش نداشته باشد یا اگر پاسخ به ایرادات مقدماتی یا برخی از عناصر آن مستلزم پیش داوری در

مورد مسایل ماهیتی بشود" (Territorial and Maritime Dispute, 2007: p 852).

مطابق با رویه دیوان بین المللی دادگستری، رسیدگی دیوان داوری در قضیه فیلیپین بر علیه چین مستلزم صدور حکم بر صلاحیت دیوان به عنوان یک مسئله مقدماتی تشخیص داده شد و بعد از مشخص شدن اینکه چین در مکاتباتش ایراداتی را نسبت به صلاحیت دادگاه مطرح کرده است، در نتیجه دیوان داوری رسیدگی را دو قسمت کرد تا در ابتدا به موضوع صلاحیت و قابلیت پذیرش خواسته های فیلیپین به عنوان موضوع مقدماتی رسیدگی کند.

دیوان داوری معتقد است که اگر واقعا اختلافی در مورد تفسیر یا اجرای مقررات کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) وجود نداشته باشد یا اگر وجود داشته اما به علت های مختلفی از جمله محدودیت ها و استثنائات اختیاری، اختلاف از شیوه های الزام آور حل اختلافات کنوانسیون مستثنی شده باشد، ایرادی به تصمیم چین مبنی بر عدم شرکت در فرآیند دادرسی وارد نخواهد بود..

## ۲-۲ دلایل چین برای عدم مشارکت در دادرسی

چین در حالیکه از شرکت در فرآیند دادرسی امتناع می نمود، دیوان داوری را برای رسیدگی بر اختلاف مطرح شده توسط فیلیپین دارای صلاحیت نمی دانست (Award on jurisdiction, op. cit: para 103). از نظر چین دیوان داوری برای تصمیم گیری نسبت به ادعاهای فیلیپین؛ مستقیم یا غیر مستقیم ناچار بایستی در مورد مسئله حاکمیت بر عارضه ها و منابع موجود در دریای چین جنوبی اظهار نظر کند که این امر اختلاف را خارج از تفسیر یا اجرای کنوانسیون می نماید چراکه دیوان داوری صلاحیتی برای رسیدگی به موضوعات مربوط به مسئله حاکمیتی ندارد و تا مسایل حاکمیتی تعیین تکلیف نشوند بسیاری از موضوعات بطور نامشخص باقی خواهند ماند و در نتیجه یک اختلاف واقعی بین طرفین وجود ندارد.

بعلاوه چین معتقد است کشورهای عضو کنوانسیون می توانند استثنائات اختیاری را با صدور یک اعلامیه کتبی وضع کنند تا مقررات اجباری حل و فصل اختلافات نسبت به اختلافات ناشی از تحدید حدودهای مرز دریایی، اختلافات مربوط به خلیج ها یا مالکیت های تاریخی، اختلافات مربوط به فعالیت های نظامی و اختلافاتی که شورای امنیت نسبت به آن اختلاف اشتغال خود بر اساس منشور ملل متحد را اعمال می کند، اعمال نگردد. اختلاف ارجاع شده به داوری از نظر چین در مورد تحدید حدود مرز دریایی بوده که اعلامیه چین در ۲۵ آگوست ۲۰۰۶ نمونه ای است از یک

اعلامیه کتبی مطابق با ماده ۲۸۰ کنوانسیون که صراحتاً قصد مستثنی ساختن اختلافات ناشی از تحدید حدود مرز دریایی را دارد.

همچنین چین ادعا می کرد که شروع داوری توسط فیلیپین سواستفاده از حق و سواستفاده از روش های حل و فصل اجباری اختلافات می باشد که بر خلاف ماده ۳۰۰ کنوانسیون<sup>۱</sup> است. در نهایت چین اعتقاد داشت شیوه های مسالمت آمیزی که طرفین به خواست خود انتخاب می کنند بر مقررات بخش ۱۵ کنوانسیون حاکم است<sup>۲</sup> و فیلیپین و چین با امضا سند DOC<sup>۳</sup> متعهدند به انجام تکالیف متقابل برای اختلافات خود از طریق مذاکره و همفکری های دوستانه شده اند. بنابراین دو کشور برای حل اختلافاتشان از طریق روش های مسالمت آمیز به انتخاب خودشان موافقت نموده اند. گذشته از سند مذکور و به عقیده چین، معاهده مودت و همکاری در آسیای جنوب شرقی<sup>۴</sup> (معاهده مودت) نیز که فیلیپین و چین از اعضای آن هستند و طبق این معاهده طرفین اختلاف مجاب به حل اختلافات با روش های منطقی و موثر و بقدر کافی منعطف شده اند و از انجام رفتارهای منفی که می تواند باعث به خطر افتادن یا مانع شدن همکاری گردد منع شده اند؛ این معاهده نیز ممنوعیت دیگری در احراز صلاحیت دیوان داوری بر اساس ماده ۲۸۱ کنوانسیون ایجاد می نماید (Award on jurisdiction, op. cit: para: 252).

### ۳-۲ استدلال سند موضع ۲۰۱۴ چین<sup>۵</sup> برای خودداری از حضور نزد مرجع داوری

چین در سند موضع خود در ۷ دسامبر ۲۰۱۴ دو جنبه از توصیف اختلاف را بیان کرد. دیوان

<sup>۱</sup> ماده ۳۰۰ کنوانسیون: کشورهای عضو بایستی تعهدات خود ذیل این کنوانسیون را با حسن نیت کامل انجام دهند و حقوق، صلاحیت و آزادی های شناخته شده بر طبق این کنوانسیون را به طریقی اعمال می نمایند که موجب یک سوء استفاده از حق تلقی نشود.

<sup>۲</sup> ماده ۲۸۰ کنوانسیون

<sup>۳</sup> The China-ASEAN Declaration on the Conduct of Parties in the South China Sea, dated 4 November 2002.

<sup>۴</sup> The Treaty of Amity and Cooperation in Southeast Asia, concluded on 24 February 1976.

<sup>۵</sup> The Position Paper of the Government of the People's Republic of China on the Matter of Jurisdiction in the South China Sea Arbitration Initiated by the Republic of the Philippines, published on 7 December 2014

داوری متوجه شد که این سند با وجود عدم شرکت چین در دادرسی می‌تواند موضع این کشور را در مسائل مطرح شده نشان بدهد. اول اینکه چین استدلال می‌کرد ماهیت و محتوای این داوری مربوط به حاکمیت سرزمینی بر چندین عارضه دریایی<sup>۱</sup> در دریای چین جنوبی است که خارج از حوزه صلاحیت کنوانسیون می‌باشد و درباره تفسیر یا اجرای کنوانسیون نیست. دوم اینکه چین استدلال می‌کند حتی اگر اختلاف طرفین در قلمرو کنوانسیون باشد، این اختلاف یک بخش کامل از تحدید حدود دریایی بین دو کشور را تشکیل می‌دهد. بنابراین داخل در حوزه بیانیه چین در سال ۲۰۰۶ قرار می‌گیرد که طی آن رسیدگی به این نوع اختلافات مستثنی شده است.

چین اظهارات فیلیپین را بین آنهایی که در رابطه با حقوق تاریخی و آنهایی که در رابطه با وضعیت عارضه های خاص دریای هستند و آنهایی که اعمال حقوق چین در دریای چین جنوبی را در بر می‌گیرد تقسیم می‌کند. از نظر چین اظهارات فیلیپین درباره حد حقوق تاریخی چین، اختلافی مبنی بر حاکمیت را نشان می‌دهد زیرا فقط بعد از اینکه حد حاکمیت سرزمینی چین در دریای چین جنوبی تعیین شود می‌توان تصمیم گرفت که آیا ادعاهای دریایی در دریای چین جنوبی فراتر از حد مجاز بر طبق کنوانسیون رفته است یا نه.

چین یادآوری می‌کند که اصول کلی حاکمیت بر زمین، مبنای تعیین حقوق دریایی است و یادآوری می‌کند که مقدمه کنوانسیون این چنین اظهار می‌دارد که توجه به حاکمیت تمام دولت‌ها، پیش شرط لازم برای اجرای کنوانسیون به منظور تعیین حقوق دریایی دولت‌های عضو می‌باشد. سپس نتیجه می‌گیرد که بدون تعیین حاکمیت سرزمینی بر عارضه‌های دریایی در دریای چین جنوبی، دیوان داوری در موقعیتی نیست که حدی که چین ممکن است در مورد حقوق دریایی خود در دریای چین جنوبی ادعا کند، تعیین کند و نمی‌تواند بگوید آیا ادعاهای چین فراتر از حد مجاز بر طبق کنوانسیون است یا نه. طبق نظر چین زمانیکه موضوع در رابطه با حاکمیت نباشد یک عارضه دریایی فی‌نفسه<sup>۲</sup> هیچ حق دریایی یا حقوقی را نمی‌تواند ایجاد کند و اگر حاکمیت بر عارضه‌ها نامشخص باشد این امر نمی‌تواند یک اختلاف واقعی برای داوری به وجود آورد. در نتیجه این موضوع که آیا ادعاهای دریایی یک کشور بر اساس چنین عارضه‌هایی سازگار و هماهنگ با

<sup>۱</sup> maritime features

<sup>۲</sup> per se

کنونسیون هست یا نیست، نمی‌تواند قابل رسیدگی باشد. بعلاوه این موضوع که برآمدگی های جزری<sup>۱</sup> می‌توانند به عنوان یک سرزمین تصاحب شوند یا نه یک مسئله مربوط به حاکمیت سرزمینی است و یک موضوع درباره تفسیر یا اجرای کنوانسیون نیست.

چین اعتقاد دارد فیلیپین تلاش می‌کند با تمرکز بر تعداد کمی از عارضه های دریایی، حاکمیت چین بر کل جزایر نانشا<sup>۲</sup> و هان گیان<sup>۳</sup> همچنین ماهیت اختلاف را تحریف کند. در حقیقت چین استدلال می‌کند تا زمانی که و مگر اینکه حاکمیت مربوط به عارضه های دریایی تعیین نشود، ادعاهای فیلیپین نمی‌تواند مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد و در نتیجه دیوان داور صلاحیت برای رسیدگی به اختلاف نیست. برخی خواسته های فیلیپین حاکی از این است که تعدادی از عارضه های دریایی، قسمتی از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره فیلیپین بوده یا این که ادعا می‌کند چین به طور غیر قانونی و با بهره مندی از حقوق در این مناطق، در حقوق حاکمیتی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره فیلیپین دخالت کرده است. (Award on jurisdiction, op. cit: para: 138).

از نظر چین این نوع خواسته ها به طور آشکار تلاشی است برای تشخیص و تعیین مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره فیلیپین که موضوعی مربوط به تحدید حدود دریایی است و دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد.

## ۲-۴ موضع فیلیپین در مورد عدم مشارکت چین در دادرسی

فیلیپین این ادعای چین را که بین طرفین اختلافی در مورد تفسیر یا اجرای کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهای (۱۹۸۲) وجود ندارد لذا دیوان داور بطور نامشروع تشکیل شده و تکلیفی برای چین برای حضور در مرجع نامشروع و دفاع از خود ایجاد نمی‌کند؛ را رد کرده و استدلال می‌کند که با مراجعه به هر یک از خواسته های مطرح شده از سوی این کشور، یک اختلاف قابل شناسایی بین طرفین در مورد تفسیر یا اجرای کنوانسیون وجود دارد. این کشور می‌پذیرد که یک اختلاف در مورد حاکمیت بر عارضه های دریایی در دریای چین جنوبی بین طرفین وجود دارد و تصدیق می‌کند که اختلافات فیلیپین با چین در دریای چین جنوبی دارای بیش از یک لایه می‌باشند.

<sup>۱</sup> Low tide elevations

<sup>۲</sup> نام چینی جزایر اسپراتلی

<sup>۳</sup> نام چینی جزایر پاراسل



این موضوع یادآور اختلافات میکس می‌باشد که طی آن یک اختلاف می‌تواند دارای جهات مختلفی بوده که ممنوعیت رسیدگی نسبت به برخی جهات نمی‌تواند باعث ایجاد ممنوعیت به رسیدگی در مورد دیگر جهات که قابلیت رسیدگی دارند، گردد.

به هر حال فیلیپین معتقد است که اختلاف موجود کاملاً مربوط به صلاحیت دیوان است زیرا هیچ یک از خواسته های این کشور مستلزم این نیست که دیوان در مورد محدوده حاکمیتی چین یا هر کشور دیگری اظهار نظر کند. از نظر فیلیپین آرای داوری این نتیجه‌گیری را تایید می‌نماید که ادعاهای حاکمیتی بر عارضه های دریایی، ممنوعیتی برای تعیین حقوق دریایی آنها ایجاد نمی‌کند و این حقیقت که اختلافی بین طرفین در رابطه با حاکمیت وجود دارد، مانع از رسیدگی دیوان به اختلافات دیگر نمی‌شود. فیلیپین برای نشان دادن این اصل که یک اختلاف ممکن است ویژگی های مختلفی داشته باشد که مانع از قرارگرفتن بعضی از آنها در صلاحیت نمی‌شود، به تصمیمات در قضایای کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران،<sup>۱</sup> فعالیت های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه<sup>۲</sup> و اجرای موافقتنامه موقت ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۵<sup>۳</sup> اشاره می‌کند.

فیلیپین به تصمیم در قضیه منطقه محافظت شده دریایی چاگوس<sup>۴</sup> هم اشاره کرده که طی آن بعلت مربوط بودن اختلاف به مسائل حاکمیتی، صلاحیت نفی شده بود و این قضیه را متمایز از قضیه حاضر می‌داند و استدلال می‌کند که طرف های اختلاف در آن قضیه بر این موضوع توافق داشتند که برای رسیدگی به خواسته موریتیوس<sup>۵</sup> دیوان در ابتدا باید تعیین نماید که کدام دولت حاکمیت داشته است. در حالیکه در این قضیه فیلیپین نیاز به وجود چنین تصمیمی نمی‌بیند.

از نظر فیلیپین حتی با فرض اینکه چین بر تمام عارضه های دریایی جزیره‌مانند که ادعا می‌کند حاکمیت داشته باشد، در این فرض هم خطوط ۹ نقطه ای مشخص شده از سوی این کشور فراتر از محدوده حقوق احتمالی آن بر طبق کنوانسیون می‌باشد.

فیلیپین یکی از دستاوردهای بزرگ کنوانسیون را پابندی جهانی به جزئیات زیاد اینکه چه

<sup>۱</sup> United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran

<sup>۲</sup> Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua

<sup>۳</sup> Application of the Interim Accord of 13 September 1995

<sup>۴</sup> Chagos Marine Protected Area

<sup>۵</sup> Mauritius

چیزهایی جزو حق کشورهای ساحلی هست و چه چیزهایی نیست، می داند و تاکید می نماید که موضوع مربوط به این حقوق، منافع جامعه بین المللی را درگیر می نماید. در مقابل مسئله تحدید حدود دریایی فقط کشورهای ذینفع را در بر می گیرد و این موضوع زمانیکه و مگر اینکه حقوق دریایی، همپوشانی داشته باشند مطرح می شود. در این مورد فیلیپین قضیه تحدید حدود مرز دریایی بین بنگلادش و میانمار در خلیج بنگال: (Bay of Bengal Maritime Boundary, 2014: para 376-377) و اختلاف دریایی و سرزمینی نیکاراگوئه در مقابل کلمبیا (Territorial and Maritime Dispute, op. cit: para 169) را یادآوری می کند و نتیجه می گیرد که این حقیقت که تصمیم نسبت به مسائل تحدید حدود ممکن است نیاز به تصمیم قبلی درباره مسائل مربوط به حق کشورها را داشته باشد، به این مفهوم نیست که مسائل مربوط به حق کشورها قسمت تشکیل دهنده و جدایی ناپذیر فرایند تحدید حدود مرز دریایی است.

### ۳-۱ قصور در حضور نزد مرجع صالح به رسیدگی

طرفینی که توافق نامه داوری الزام آور را امضا کردند، اصولا به شرایط آن ملزم هستند. هنگامی که یک اختلاف ایجاد می شود و یک شاکی رسیدگی داوری را علیه یک خواننده آغاز می کند، یک فرض کلی این است که طرفین با یکدیگر همکاری کرده و فعالانه در رسیدگی شرکت خواهند کرد. اما در عمل ممکن است یک طرف، معمولا خواننده، به سادگی از شرکت در رسیدگی داوری، چه از ابتدای داوری و چه در مراحل بعدی امتناع کند.

از نقطه نظر رویه ای، اکثر قواعد داوری مقرر می دارند که در غیاب یک طرف، روند داوری صرفا با حضور یک طرف<sup>۱</sup> ادامه خواهد داشت. در قوانین اتاق بازرگانی بین المللی ICC<sup>۲</sup> بند ۸ از ماده ۶ مقرر می دارد: «اگر یکی از طرفین از شرکت در داوری یا هر مرحله ای از آن امتناع کند یا نتواند شرکت کند، داوری علیرغم چنین امتناع یا قصوری ادامه خواهد یافت.» بند ۹ همین ماده نیز بیان می نماید: «جز در مواردی که به گونه دیگری بین طرفین توافق شده باشد، به صرف این ادعا که قرارداد پایه وجود ندارد یا باطل و خارج از اعتبار است صلاحیت مرجع داوری از بین نخواهد رفت، مشروط به این که مرجع داوری، اعتبار موافقت نامه داوری را احراز نماید. صلاحیت مرجع داوری

<sup>۱</sup> ex parte

<sup>۲</sup> International Chamber of Commerce

برای تصمیم گیری درباره حقوق طرفین و همچنین رسیدگی به ادعاها و ایرادات آنها همچنان معتبر است، هر چند که قرارداد احتمالا غیرقانونی یا باطل باشد.» قانون نمونه آنسیترال در ماده ۲۵ نیز صراحتا اختیار دیوان داوری را برای صدور رای صرفا با حضور یک طرف و در صورت عدم شرکت خوانده تعیین می کند. این ماده بیان می کند: «مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند، در صورتی که بدون دلیل کافی: (الف) شاکی دادخواست خود را مطابق با ماده ۲۳ (۱) ابلاغ نکند، دیوان داوری رسیدگی را خاتمه خواهد داد. (ب) خوانده اظهارات دفاعی خود را مطابق با ماده ۲۳ (۱) اعلام نکند، دیوان داوری رسیدگی را ادامه خواهد داد؛ بدون اینکه چنین قصور در حضوری به خودی خود به عنوان پذیرش ادعاهای شاکی تلقی شود. (ج) هر یک از طرفین در جلسه استماع حاضر نشود یا مدارک مستند ارائه نکند، دیوان داوری می تواند رسیدگی را ادامه دهد و بر اساس شواهدی که در دسترس است، رای صادر کند.»<sup>۱</sup>

بنابراین، این یک اصل تثبیت شده داوری بین المللی است که داوران دارای قدرت ذاتی برای ادامه رسیدگی به داوری در زمانی که طرف دیگر از شرکت در آن امتناع می ورزد و صدور رای صرفا با حضور یک طرف هستند. همانطور که توسط یکی از مفسران برجسته داوری تجاری بین المللی، آقای گری بورن<sup>۲</sup>، توضیح داده شد، دادگاه ها دارای قدرت ذاتی برای انجام دادرسی در غیاب یک طرف هستند، حتی بدون مجوز صریح از قوانین سند موسس داوری یا قوانین ملی. (Gary Born, 2014: p 3027).

با این حال، توجه به این نکته مهم است که «رای مفروض»<sup>۳</sup> لزوما به معنای رای به نفع مدعی نیست، زیرا صرف عدم حضور نزد مرجع رسیدگی بر خلاف برخی قوانین ملی به خودی خود بر «اعتراف صریح»<sup>۴</sup> دلالت نمی کند. در نتیجه دیوان های داوری این اختیار را دارند که رسیدگی های داوری را بدون مشارکت یک طرف انجام دهند.

دیوان داوری در قضیه فیلیپین بر علیه چین معتقد است که صرف عدم حضور چین در دادرسی

<sup>۱</sup> قابل دسترس در:

<https://www.acerislaw.com/refusing-to-participate-in-arbitration-proceedings>

<sup>۲</sup> Gary Born

<sup>۳</sup> default award

<sup>۴</sup> explicit confession

تخلف محسوب نمی شود و این کشور حق دارد در مرجعی که نسبت به صلاحیت آن هنوز تردید وجود دارد اقدام به دفاع ماهیتی از خود نکند اما این موضوع بعد از احراز اجمالی موضوع صلاحیت توسط دیوان داوری خاتمه می یابد. به عبارت دیگر همین که دیوان داوری علی الظاهر خود را صالح به موضوع بداند و بتواند وجود یک اختلاف موجود و واقعی را بین طرفین احراز کند، از آن پس کشور چین طبق مقررات بخش ۲ از فصل پانزدهم کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) مکلف به حضور در دادرسی بوده و خودداری این کشور از حضور در رسیدگی خدشه ای به اعتبار اقدامات انجام شده از سوی دیوان داوری وارد نخواهد کرد و رای صادر شده برای چین لازم الاجرا و نهایی خواهد بود.

دیوان داوری خاطر نشان می کند که: وجود یک اختلاف را ممکن است "از طریق مقصور یک دولت در پاسخگویی به یک ادعا، در شرایطی که از آن دولت درخواست پاسخ شده باشد" استنباط نمود. (Application of the International Convention on the Elimination of All (Forms of Racial Discrimination, 2011: para 30).

دیوان یادآوری می کند که این موضوع در قضیه اعمال تعهد به داوری ذیل بخش ۲۱ قرارداد مقر سازمان ملل ۲۶ ژوئن ۱۹۴۷<sup>۱</sup> که در آن ایالات متحده از تایید یا مخالفت صریح با دیدگاه سازمان ملل مبنی بر اینکه قانون گذاری انجام شده ایالات متحده، ناقض قرارداد مقر سازمان ملل متحد است؛ بروز نمود. دیوان بین المللی دادگستری در آن قضیه خاطر نشان کرد، در مواردی که یکی از طرفین معاهده به رفتار یا تصمیم طرف دیگر معاهده اعتراض می کند و مدعی است که چنین رفتار یا تصمیمی نقض معاهده تلقی می شود، صرف این واقعیت که طرف متهم به نقض معاهده، هیچ دلیلی برای توجیه رفتار خود بر اساس حقوق بین الملل ارائه نمی کند، مانع از ایجاد یک اختلاف در مورد تفسیر یا اجرای معاهده نمی شود.

به طور مشابه کشور نیجریه در قضیه مرز زمینی و دریایی کامرون علیه نیجریه<sup>۲</sup> رویکرد محتاطانه ای را برای تعیین موضع خود اتخاذ کرد و تنها به طور کلی استدلال کرد که هیچ اختلافی در مورد تعیین حدود تمام طول مرز بین طرفین وجود ندارد. دیوان بین المللی دادگستری معتقد بود

<sup>۱</sup> Applicability of the Obligation to Arbitrate under Section 21 of the United Nations Headquarters Agreement of 26 June 1947.

<sup>۲</sup> Land and Maritime Boundary (Cameroon v. Nigeria)

که نیجریه حق دارد دلایلی را که فکر می‌کند در مرحله ماهیتی بایستی به آن پاسخ بدهد، در حال حاضر مطرح نکند. با این حال دیوان اعلام کرد که نمی‌تواند از بررسی دادخواست کامرون به این دلیل که اختلافی بین دو کشور وجود ندارد خودداری کند. درست است که به دلیل موضع نیجریه در حال حاضر نمی‌توان دامنه دقیق اختلاف را تعیین کرد با این وجود حداقل در مورد مبانی حقوقی مرز، بین دو طرف اختلاف وجود دارد و رسیدگی به این اختلاف بر عهده دیوان است. از نظر دیوان این رویه قضایی منتج به بروز دو اصل می‌شود. اول اینکه در صورتی که یکی از طرفین از مخالفت صریح با یک ادعا یا اتخاذ موضع در مورد موضوعی که برای حل و فصل اجباری ارایه شده است خودداری کند، دیوان این حق را دارد که رفتار طرفین را بررسی کند، یا در واقع؛ واقعیت سکوت را در شرایطی که یک پاسخ قابل انتظار است، بررسی و استنباط‌های مناسب از آن را به دست آورد. دوم اینکه وجود اختلاف باید به طور عینی<sup>۱</sup> مورد ارزیابی قرار بگیرد. دیوان موظف است اجازه ارزیابی بیش از حد فنی ارتباطات یا اجازه ایجاد ابهام عمدی در بیان موضع یک طرف، به هدف خنثی کردن حل یک اختلاف واقعی، از طریق داوری را به طرفین ندهد. از نظر دیوان داوری این احتمال وجود دارد که در طی فرایند بررسی دیوان یا در پرتو مبادلات بیشتر از سوی چین، به این نتیجه برسد که در حقیقت اختلافی بین طرفین در مورد وضعیت یا حقوق ایجاد شده توسط عارضه‌های دریایی خاص وجود ندارد. مرتبط با این موضوع دیوان وضعیت یکسانی را در قضیه مرزهای زمینی و دریایی کامرون بر علیه نیجریه در دیوان بین‌المللی دادگستری می‌داند که در آن قضیه دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد: "حتی اگر نتوان در حال حاضر گستره دقیقه حوزه یک اختلاف را مشخص نمود با این وجود یک اختلاف بین دو طرف وجود دارد" (Land and Maritime Boundary, 1998: para 93).

همچنین اختلاف باید در زمان اقامه دعوا وجود داشته باشد که در این پرونده ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ تاریخ اعلامیه و دادخواست فیلیپین می‌باشد (Application of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 2011: pp 84-85). جایی که یک اختلاف بین طرفین وجود دارد تشخیص و توصیف اختلاف برای رسیدگی دادگاه یا دیوان بسیار ضروری است. ماهیت اختلاف ممکن است پیامدهای صلاحیتی مهمی داشته باشد از جمله اینکه آیا به طور منصفانه می‌توان گفت اختلاف مربوط به تفسیر یا اجرای

<sup>۱</sup> objectively

کنوانسیون می باشد یا اینکه آیا موضوعاتی وجود دارند که بر اساس استثنائات از صلاحیت دیوان خارج باشند؟ در این جا مجدداً یک رویکرد عینی مطرح می‌شود. در واقع، دیوان بین المللی دادگستری از مفهوم اختلاف که سلف خود تعریف و اجرا کرده بود، کم و بیش فاصله گرفت و رویکرد اختلاف «عینی»<sup>۱</sup> را مبنای کار قرار داد. طبق این برداشت وجود اختلاف، مستقل از ادعای هر یک از طرفین دعوا ارزیابی می‌شود. بر اساس این رویکرد، هر اختلافی با ویژگی های ذاتی خود و نه بر اساس توصیفات ذهنی طرف ها تعریف میشود (Ndiaye, 2007: 255). در نهایت، در هر مورد، تعیین اینکه آیا شرط وجود اختلاف، تامین شده است یا خیر، به عهده دیوان است و دیوان "موظف به جداسازی موضوعات واقعی قضیه بوده و همچنین دیوان موظف است که هدف خواسته های مطرح شده را نیز مشخص نماید" (Nuclear Tests, 1974: p 457).<sup>۲</sup> دیوان در انجام این کار نه تنها حق تفسیر اظهارات طرفین را دارد بلکه موظف به تفسیر است. همانطور که در قضیه صلاحیت ماهیگیران اسپانیا در مقابل کانادا ذکر شده است: "این بر عهده خود دادگاه است که با بررسی موضع هر دو طرف پرونده، اختلاف بین طرفین را بر مبنای عینی تعیین کند" (Fisheries Jurisdiction, 1998: para 30). چنین تشخیصی نه تنها بر دادخواست و خواسته های نهایی و لویح ارایه شده طرفین مبتنی است بلکه می‌تواند بر مبادلات دیپلماتیک، بیانیه‌های عمومی و دیگر شواهد مرتبط نیز مبتنی باشد. در این فرآیند باید بین خود اختلاف و استدلال هایی که طرفین برای حفظ نظرات خود در مورد اختلاف استفاده می‌کنند تمایز قائل شد. (Ibid, para 32).

در این پرونده فیلیپین استدلال می‌کند که به دیوان داوری یک مجموعه از اختلافات واقعی درباره تفسیر یا اجرای مواد خاص کنوانسیون برای فعالیت‌های چین در دریای چین جنوبی و برخی عارضه های دریایی که چین اشغال کرده است را تقدیم کرده است. همچنین فیلیپین معتقد است که یک اختلاف در مورد اثر متقابل حقوق تاریخی ادعا شده توسط چین با مقررات کنوانسیون را نیز ارایه داده است. سند موضوع چین توصیف موسع از اختلاف طرفین را نشان می‌دهد که از نظر چین موضوع را از صلاحیت دیوان مستثنا می‌کند. چین استدلال می‌کند: اول اینکه اختلاف طرفین درباره

<sup>۱</sup> Objective

<sup>۲</sup> Request for an Examination of the Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand v. France) Case, Order of 22 September 1995, ICJ Reports 1995, p. 288 at p. 304, para. 55

حاکمیت سرزمینی بر چند عارضه دریایی در دریای جنوبی است و موضوع دوم اینکه دیوان به عنوان یک استدلال جایگزین دریافته، اختلاف طرفین درباره موضوعاتی است که تشکیل دهنده یک بخش از تحدید حدود دریایی است. استدلال اول چین بدین معنی است که اختلاف در باره تفسیر یا اجرای کنوانسیون نیست و استدلال دوم هم بدین معنی است که اختلاف مطرح شده داخل در حوزه استثنائات صلاحیتی ایجاد شده توسط بیانیه چین طبق ماده ۲۹۸ کنوانسیون است. (Award on jurisdiction, op. cit: para: 151).

در اینجا هیچ شکی درباره بروز یک اختلاف بین طرفین درباره حاکمیت سرزمینی بر برخی عارضه‌های دریایی، در دریای چین جنوبی وجود ندارد. همچنین یک اختلاف حاکمیتی نیز در منظر مکاتبات دیپلماتیک بین طرفین کاملاً آشکار است. با این حال دیوان نمی‌پذیرد که از وجود اختلاف بر مسئله حاکمیت می‌توان نتیجه گرفت که موضوع حاکمیت توصیف مناسب ادعاهای فیلیپین در این دادرسی است. از نظر دیوان داوری این امر کاملاً عادی و مورد انتظار است که دو کشور با روابطی به این گستردگی و چند وجهی در مورد چندین موضوع متمایز با یکدیگر اختلاف داشته باشند. در واقع در یک منطقه جغرافیایی همچون دریای چین جنوبی، طرفین می‌توانند داخل در اختلافاتی باشند که چند وجهی باشد. دیوان داوری با نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران موافق است که، هیچ دلیلی برای امتناع از دریافت یکی از جنبه‌های اختلاف فقط به این دلیل که آن اختلاف جنبه‌های دیگری هر چند مهم دارد، وجود ندارد (United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, 1980: para 36). وجود یک اختلاف در حقوق بین الملل کنونی به طور کلی مستلزم وجود "مخالفت مثبت" بین طرفین است به این صورت که ادعاهای یک طرف به طور مثبت با مخالفت و رد طرف دیگر مواجه شود (South West Africa Preliminary Objections, op. cit: p 328). در روند عادی وقایع چنین مخالفت‌های مثبتی به طور معمول از مکاتبات دیپلماتیک بین طرفین آشکار می‌شود، چراکه تبادل دیدگاه‌ها صورت می‌گیرد و ادعاها، ایجاد شده و رد می‌گردند. با این حال در مورد پرونده حاضر، چین درباره برخی از جنبه‌های مهم حقوق ادعای خود در دریای چین جنوبی جزئیات زیادی را ارائه نداده است. به عنوان مثال چین بارها ادعای حقوق تاریخی یا حقوق تشکیل

‘ positive opposition’

شده در طول تاريخ در دريای چين جنوبى را داشته است اما اين کشور تا آنجا که دادگاه آگاه است ماهيت يا محدود حقوق تاريخى ادعاى خود را روشن نکرده است. همچنين اين کشور درک خود از معناى خط ۹ نقطه‌ای<sup>۱</sup> که روى نقشه همراه با يادداشت هاى شفاهى آن در ۷ می ۲۰۰۹ ادعا کرده روشن نکرده است. در جزایر اسپراتلى چين به طور کلی از اظهارنظر در مورد وضعيت عارضه هاى خاص دريای خوددارى کرده است و ترجيح مى دهد به طور کلی استدلال کند که جزایر ناشای چين به طور کامل حق برخوردارى از دريای سرزمينى منطقه انحصارى اقتصادى و فلات قاره را دارند.

در نتيجه ديوان داورى معتقد است حق رسيدگى به اين اختلاف را دارد و کشور چين در صورت غيبت در رسيدگى همچنان به عنوان يک طرف دعوا محسوب مى شود و با درخواست فيليپين، داورى اقامه شده ادامه يافته و رای مقتضى صادر خواهد شد.

### ۱-۱-۳ نتايج قانونى و عملى عدم شرکت چين در دادرسى

کشور چين در تمام مراحل رسيدگى ديوان داورى متشکله بر اساس پيوست ۷ فصل ۱۵ کنوانسيون حقوق درياها، از شرکت کردن خوددارى نموده است. اين کشور در تشکيل ديوان با فيليپين همکارى نکرده، لايحه متقابل در پاسخ به لايحه فيليپين تقديم نکرده، در جلسه بررسى صلاحيت در جولای ۲۰۱۵ شرکت نکرده و هزينه مورد درخواست ديوان داورى جهت هزينه هاى داورى را پرداخت نکرده است. کشور چين در سرتاسر مراحل دادرسى از شرکت کردن خوددارى نموده و نامه‌هاى ديوان را که توسط دفتر ثبت، ارسال شده است عودت داده است و توضيح اين کشور صرفا اين بوده که داورى که توسط فيليپين شروع شده است را نمى پذيرد. طبق مقررات کنوانسيون، عدم شرکت يکى از طرفين اختلاف، مانعى براى رسيدگى نيست و اين امر در ماده ۹ پيوست ۷ فصل پانزدهم کنوانسيون حقوق درياها به اين شکل ذکر شده است:

ماده ۹: قصور در حضور

اگر يکى از طرفين اختلاف نزد ديوان داورى حضور نيابد يا در دفاع از پرونده اش قصور ورزد، طرف ديگر مى تواند از ديوان درخواست کند دادرسى را ادامه دهد و حکم مقتضى را صادر کند. غيبت يک طرف يا قصور در دفاع از پرونده اش مانعى براى دادرسى نيست. ديوان داورى قبل از

<sup>۱</sup> Nine Dash Line



صادر نمودن حکم باید خود را هم در این مورد که بر اختلاف صلاحیت دارد و هم بر اینکه ادعای مطرح شده بر اساس حقیقت و قانون باشد، متقاعد کند.

فیلیپین در لایحه خود صراحتاً از دیوان داوری درخواست کرد که از هر شکی برای ادامه رسیدگی پرهیز نموده و بر طبق ماده ۹ از ضمیمه ۷ انجام وظیفه نماید. علی رغم عدم شرکت در دادرسی؛ چین یک طرف این رسیدگی باقی ماند و ملزم به اجرای هر تصمیمی که از سوی دیوان داوری اتخاذ گردد، بود.

در نتیجه علیرغم عدم شرکت چین در رسیدگی این کشور یک طرف داوری است و بر طبق حقوق بین الملل ملزم است هر حکمی که توسط دیوان داوری صادر شد را رعایت نماید.<sup>۱</sup> عدم حضور چین در رسیدگی به نوعی اقدام بر علیه خود بوده و خسارات احتمالی ناشی از این عدم حضور بر عهده خود کشور خاطی خواهد بود.

### ۳-۱-۲ تضمین حقوق کشور غائب در فرآیند دادرسی

عدم مشارکت یک طرف در دادرسی و عدم دفاع از خود نه تنها به معنای صدور رای به نفع مدعی نیست بلکه تکلیف مرجع داوری برای یافتن حقیقت را سنگین تر می نماید. مرجع صالح باید با تدقیق در اسناد و مدارک تمام سعی خود را برای صدور رای منصفانه بکار ببندد. در این مورد دیوان حتی می تواند برای اخذ توضیحات بیشتر دستوراتی را که صلاح می داند به کشور مدعی دهد. در قضیه دیوان داوری فیلیپین بر علیه چین، دیوان خاطر نشان کرد که متعاقب عدم شرکت چین در دادرسی این دیوان در جستجوی تعادل در رسیدگی است که این عدم حضور منجر به ورود لطمه به دو طرف؛ به دو صورت نگردد. اول اینکه دیوان پس از تصمیم یک طرف اختلاف که در دادرسی شرکت نخواهد کرد، از شرکت کننده در دادرسی حمایت می کند تا نسبت به ادامه دادرسی مایوس نشود و دوم اینکه با اطمینان از اینکه دیوان به راحتی ادعای طرف حاضر را نمی پذیرد؛ از حقوق

<sup>۱</sup> این نظر در قضایای زیر نیز تایید شده است:

Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States), Merits, Judgment, ICJ Reports 1986, p. 14 at p. 24.

Arctic Sunrise (Kingdom of the Netherlands v. Russian Federation), Provisional Measures, Order of 22 November 2013, ITLOS Reports 2013, p. 230 at p. 242.

Arctic Sunrise (Kingdom of the Netherlands v. Russian Federation), Jurisdiction, Award of 26 November 2014, para.

Arctic Sunrise (Kingdom of the Netherlands v. Russian Federation), Merits, Award of 14 August 2015, para. 10.

طرفی که در دادرسی شرکت نکرده است، حمایت می کند. به علت عدم شرکت چین در دادرسی دیوان مطابق ماده ۵ پیوست ۷؛ آیین دادرسی خود را تعیین می نماید و به طرفین اطمینان کافی نسبت به داشتن فرصت کامل برای حاضر شدن در پرونده را می دهد. دیوان تعدادی از اقدامات خود برای حفاظت از حقوق چین در دادرسی را بر می شمارد:

۱) اطمینان می دهد که تمام مکاتبات و موضوعات مطروحه در این داوری را هم به صورت الکترونیکی و هم عادی به سفیر چین در لاهه هلند ارسال کند.

۲) به چین وقت مساوی و کافی برای تسلیم و تقدیم پاسخ های کتبی به اظهارات فیلیپین داده خواهد شد.

۳) از چین دعوت می کند درباره مراحل دادرسی انجام شده در تمام فرآیند دادرسی اظهار نظر کند.

۴) زمینه لازم برای چین در رسیدگی را فراهم می نماید.

۵) دسترسی چین به نسخه هایی از از روند بررسی صلاحیت و تمام اسناد که در جریان بررسی ارایه می شود را فراهم کند.

۶) از چین دعوت می نماید تا درباره هر چیزی که در طول بررسی صلاحیت گفته می شود و

نسبت به لوایح کتبی فیلیپین در مورد صلاحیت اظهار نظر کند.

۷) کارمندان دفتر ثبت دیوان هرگونه سوال ماهیتی یا شکلی فرستاده چین را پاسخ خواهند داد.

۸) دیوان تکرار می کند در هر مرحله که چین بخواهد در دادرسی شرکت کند دیوان خواهد پذیرفت.

همانطور که توسط دیوان بین المللی حقوق دریاهای<sup>۱</sup> در قضیه آرکتیک سان راین ذکر شد "شرکت یک طرف نباید به خاطر عدم شرکت طرف دیگر در دادرسی یک اشکال محسوب شود"

(Arctic Sunrise Case, 2013: para 56).

دیوان داوری بر اساس بند ۲ از ماده ۲۵ آیین نامه دادرسی خود مقرر نمود:

در موردی که یک طرف نزد دیوان داوری حضور نیابد و یا از پرونده اش دفاع نکند، دیوان داوری استدلال ها و لوایح کتبی طرفه حاضر را دریافت کرده و سوالاتی را درباره مسایل خاصی که

<sup>۱</sup> International Tribunal for the Law of the Sea (ITLOS)

دیوان داوری در نظر می گیرد و توسط طرف حاضر به آن پرداخت نشده است مطرح می کند و طرف حاضر در دادرسی باید لوایح کتبی تکمیلی در رابطه با سوالات و موضوعات مشخص شده توسط دیوان داوری را طی سه ماه از تاریخ درخواست دیوان داوری ارائه دهد. این لوایح که توسط طرف حاضر در دادرسی به دیوان ارائه می شود به طرف غایب انتقال می یابد که ظرف ۳ ماه از تاریخ ابلاغ اظهار نظر نماید.

دیوان با توجه به روش فوق درخواستی برای دریافت استدلال ها و لوایح کتبی بیشتر در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۴ صادر نمود که شامل ۲۶ سوال بود. در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۵ دیوان فهرست دیگری از سوالاتی که در پیشبرد بررسی و به جریان انداختن مسایل مطروحه در جلسه ۱۰ جولای ۲۰۱۵ بود برای دو طرف فرستاد. دیوان داوری بیان کرد که خود را محدود به پرداختن به این مسایل نخواهد کرد. وظیفه دیوان متقاعد کردن خودش در صلاحیت است و در نتیجه مسایل دیگری را که ممکن است مانعی برای ادامه این رسیدگی باشد بررسی می کند.

### ۳-۱-۳ بررسی عدم مشارکت چین در دادرسی به استناد اصل استاپل

کشور چین بارها اعلام کرد که بین دو کشور بیانیه های دوجانبه و اسناد مختلفی از جمله سند DOC<sup>۱</sup> و معاهده مودت وجود دارد که بر اساس این اسناد فیلیپین خود را متعهد به حل اختلاف طبق روش های مندرج در این اسناد نموده است. سوال این است که آیا اعلامیه ها و عمل فیلیپین در ارتباط با این اسناد و تعهد این کشور برای حل اختلافات از طریق روش های مقرر در آنها، می توانست فیلیپین را بر اساس اصل استاپل<sup>۲</sup> از مراجعه به داوری منع کند؟ همانطور که دادگاه داوری در قضیه منطقه حفاظت شده دریای چاگوس<sup>۳</sup> اظهار عقیده کرد، استاپل (انکار پس از اقرار یا اصل عدم تناقض گویی) یک اصل کلی قانونی منشعب شده از الزامات اصل عمل با حسن نیت است و این اصل برای حمایت از توقعات مشروع یک کشور که بر اساس اعتماد به اعمال نماینده کشور دیگر عمل می کند و همچنین برای اطمینان از اینکه یک کشور نمی تواند مردد باقی بماند، طراحی شده است. استاپل در جایی می تواند مورد استناد قرار بگیرد که:

<sup>۱</sup> The China-ASEAN Declaration on the Conduct of Parties in the South China Sea, dated 4 November 2002.

<sup>۲</sup> Estoppel

<sup>۳</sup> Chagos Marine Protected Area

الف: یک دولت از طریق کلام، رفتار یا سکوت، نمایندگان مشخص و منسجمی ارایه کرده باشد.

ب: این نمایندگان مجاز به صحبت برای کشور در مورد موضوع مورد بررسی باشند.

ج: دولتی که به استاپل استناد می‌کند توسط چنین نمایندگانی وادار شده باشد که به ضرر خود عمل کند، خسارتی متحمل شود یا یک منفعت به کشور معطی نمایندگی برساند.

د: از آنجا که نمایندگی شیوه‌ای است که یک کشور می‌تواند بر آن تکیه کند، چنین اعتمادی مشروع باشد (Chagos Marine Protected Area, 2015: para 435).

برای اینکه این اسناد و بیانه‌های مرتبط با فیلیپین؛ این کشور را از مراجعه به داوری منع کند دیوان در ابتدا می‌بایست بفهمد که آیا فیلیپین یک نماینده مشخص و دایمی را ایجاد کرده است که به روش‌های اجباری حل و فصل اختلافات در فصل ۱۵ مراجعه نکند. دیوان هیچ شواهدی از وجود چنین نمایندگی‌هایی نمی‌یابد. در حقیقت فیلیپین به صورت خاص چشم‌انداز مراجعه اجباری به حل اختلافات را مطرح کرده است که اگر مذاکرات شکست خورده باشد و انتخاب دیگری نباشد به این روش‌ها متوسل خواهد شد. سند DOC شامل تعهداتی برای حل اختلافات سرزمینی و صلاحیتی از طریق اقدامات مسالمت‌آمیز از طریق همفکری‌های دوستانه و مذاکرات توسط حاکمیت کشورهای مستقیماً درگیر با توجه به اصول جهانی شناخته شده در حقوق بین‌الملل می‌باشد. اما هیچ‌یک از این بیانه‌ها نمی‌توانند به عنوان یک نمایندگی، که فیلیپین اقدامات اجباری علیه چین اتخاذ نمی‌کند تعبیر شوند و بیانه‌های موجود در اسناد مختلف دوجانبه تعهدی بر همفکری‌های مسالمت‌آمیز و دوستانه ایجاد کند. دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد است این واقعیت که مذاکرات وجود داشته یا در همان زمانی که اقدامات اجباری در حال پیگیری است در حال انجام است، یک مانع قانونی برای صلاحیت محسوب نمی‌شود. در قضیه مرز زمینی و دریایی کامرون-نیجریه دادگاه دریافت که استاپل فقط زمانی اعلام می‌گردد که کامرون به صورت دایمی این موضوع را کاملاً شفاف بیان نموده باشد که فقط موافق حل اختلاف از طریق گفتگوی دوجانبه است (Land and Maritime Boundary, op. cit: para 57) دادگاه به این نتیجه رسید که مذاکرات انجام شده با نیجریه دارای خصوصیت انحصاری نمی‌باشد. به همین ترتیب دیوان در اینجا به این نتیجه می‌رسد که هیچ‌جنبه‌ای از اسناد و بیانه‌های بعدی دارای خصوصیت انحصاری برای مذاکرات نمی‌باشند. برعکس، این اسناد به صورت ویژه؛ کنوانسیون و ماده ۳۳ منشور ملل متحد را

ترکیب می کنند و همه این سندها حل و فصل قضایی و داوری را به عنوان اقدامات قابل قبول حل اختلاف بر می شمارند و بر این اساس هیچ استاپلی رخ نداده است.

#### ۴-۱ خصوصیات قطعی بودن حکم داوری

طبق مقررات کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) حکم صادر شده از سوی مرجعی که بر اساس ماده ۲۸۷ این کنوانسیون تشکیل یافته باشد قطعی است، یعنی صدور حکم مرافعه و دعوی را بطور مسلم و بی بحث و گفتگو ختم می نماید. بنابراین رای صادره نسبت به دو طرف دعوی قوت اجرایی داشته و موضوع اختلاف اعتبار امرمختومه<sup>۱</sup> پیدا می نماید. فلذا ارجاع چنین دعوی از طرف یکی از اصحاب آن به داوری مجدد امکان پذیر نیست.

بند ۱ ماده ۲۹۶ کنوانسیون اشعار می دارد: هر تصمیمی که بر طبق بخش ۲ فصل ۱۵ توسط دادگاه یا دیوان ارایه شود نهایی خواهد بود و توسط تمام طرفین اختلاف رعایت خواهد شد. به علاوه ماده ۱۱ ضمیمه ۷ اشعار می دارد که: حکم صادره از سوی دیوان داوری نهایی و بدون تجدید نظر خواهد بود و برای طرفین اختلاف لازم الاجراست.

نهایی بودن رای داوری<sup>۲</sup> ناشی از قرارداد ارجاع به داوری است که برای طرفین لازم الاتباع می باشد. (عباسیان، ۱۳۹۰: ۲۵). رسیدگی مراجع صالح به صورت تک مرحله ای بوده و امکان تجدیدنظر خواهی و یا استفاده از روش های فوق العاده اعتراض به آرا تدوین نشده است. البته همین امر می تواند خود منشا بروز اختلافات بعدی شود؛ بخصوص در مواردی همچون پرونده فیلیپین بر علیه چین که بدون حضور یک طرف اختلاف انجام شده است و مستندات بسیاری که می توانست از طرف چین به دیوان داوری ارایه شود در دسترس این دیوان قرار نگرفت.

#### ۴-۲ ضمانت اجرای رای صادر شده از سوی دیوان داوری

این امر که هیچ دولتی نمی تواند از ترک فعل یا فعل خلاف خود بهره مند شود یک اصل حقوقی پذیرفته شده حقوق بین الملل بوده و ریشه در اصل حسن نیت دارد. دولت ها با امضای توافقنامه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات یا قبول ارجاع اختلافات به داوری یا رسیدگی قضایی بین المللی طی معاهدات دو یا چند جانبه، برای خود تکالیفی به وجود می آورند که در صورت عدم

<sup>۱</sup> Res Judicata

<sup>۲</sup> Award the of Finality

توجه یا نقض آنها، موجبات مسئولیت بین المللی آنها فراهم می گردد. قواعد عام مسئولیت در مورد نقض تعهدات بین المللی دولت‌ها ناظر به مواردی است که میان طرفین قاعده ای خاص جزئی یا کلی پیش بینی نشده باشد. در فقد مقررات خاص، حقوق بین الملل برای کشورها تعهداتی جدید به خصوص راجع به رفع آثار زیانبار نقش تعهدات دولت خاطی پیش بینی کرده است. با عنایت بر ترجیح و اولویت تکالیف و تعهدات بین المللی دولت‌ها بر قوانین داخلی و تکالیف ناشی از آنها، استناد به قوانین و معاذیر داخلی به عنوان مانع اجرای آرای بین المللی از دولت‌ها پذیرفته نیست. دولتی که با نادیده گرفتن اصول و قواعد بین المللی از اجرای احکام یا آرای قضایی یا داوری بین المللی سر باز می زند مکلف به ترک تخلف، قبول خسارات و بالتبع عدم تکرار آن بوده و در نهایت مکلف به جبران خسارت ناشی از عمل متخلفانه خویش می باشد (زهرا، ۱۳۸۳: ۲۰۱). اما بطور خاص کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) فاقد تعیین مکانیسم دقیق جهت پیگیری و اجرای آرای دیوان‌ها است و همانگونه که تاکنون نیز ادامه داشته است، دولت چین حاضر به تمکین از رای دیوان داوری نشده و رویکرد مخالف خود را نسبت به موضوع همچنان حفظ نموده است. از آنجاییکه عدم اجرای آرای بین المللی می تواند کشورهای از توسل به حل مسالمت آمیز اختلافات مایوس نماید و کشورها برای احقاق حق خود راهی جز دادرسی خصوصی پیش روی خود نبینند که این امر می تواند در گذر زمان اصل حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی را بی اعتبار ساخته و در نتیجه صلح و امنیت بین المللی را با مخاطره جدی روبرو سازد لذا یکی از مراجع اصلی که می تواند در باب ضمانت اجرای آرای بین المللی نقش اساسی ایفا کند، شورای امنیت سازمان ملل متحد می باشد. این شورا می تواند از ماده ۹۴ منشور سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> برای تضمین اجرای آرای بین المللی استفاده نماید. که البته توسل به آن برای کشور فیلیپین در عمل نتیجه ای بهمراه نخواهد داشت چرا که چین با استفاده از حق وتو این سازوکار منشور را بن بست روبرو خواهد ساخت. در همین راستا آقای گراهام آلیسون<sup>۲</sup> استاد دانشگاه هاروارد و مدیر مرکز بنفرکالج کندی

<sup>۱</sup> ماده ۹۴: ۱- هر یک از اعضاء ملل متحد متعهد می شود در هر اختلافی که طرف باشد بر طبق تصمیم دیوان بین المللی دادگستری عمل نماید. ۲- اگر یکی از طرفهای دعوی تعهداتی را که به موجب حکم دیوان مزبور برای او ایجاد می شود به جا نیاورد طرف دیگر می تواند به شورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور می تواند در صورتی که مقتضی بداند توصیه هایی بکند و یا برای اجرای آن حکم تصمیماتی اتخاذ نماید.

<sup>۲</sup> Graham Allison

معتقد است که هیچ یک از اعضای دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد، در صورت تعارض رای دیوان های بین المللی راجع به حقوق دریاها از حیث عدم سازگاری با حاکمیت ملی و منافع استراتژیک شان زیر بار اجرا و پذیرش رای صادره در این باره نرفته اند. قطعاً کشور چین بطور خود خواسته رای صادر شده از سوی دیوان را به اجرا نخواهد گذاشت، چه اینکه در رسیدگی های دیوان نیز که شرکت کردن در آن بسیار سهل تر بود، حاضر نشد و به دفاع از خود نپرداخت و علت آن را حقوق مسلم و غیرقابل رسیدگی خود در منطقه می دانست.

### نتیجه گیری

داوران دارای قدرت ذاتی برای ادامه رسیدگی به داوری در زمانی که طرف دیگر اختلاف از شرکت در آن امتناع می ورزد و صدور رای صرفاً با حضور یک طرف هستند. با این حال، توجه به این نکته مهم است که این امر لزوماً به معنای صدور رای به نفع مدعی نیست. با توجه به مقررات موجود در معاهدات و کنوانسیون های مختلف از جمله فصل ۱۵ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) و پیوست هفتم آن، قصور در حضور یکی از طرفین در فرآیند دادرسی نزد یک مرجع صالح، نمی تواند موجب توقف رسیدگی شود. اگر غیبت یک طرف موجب توقف رسیدگی شود، هر یک از طرفین اختلاف که رسیدگی یا ادامه آن را به نفع خود نداند می تواند با حاضر نشدن نزد مرجع رسیدگی کننده، صدور رای را غیر ممکن نموده و عملاً شیوه های مقرر جهت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات مندرج در معاهدات یا کنوانسیون ها را بی اثر نماید. در نتیجه شرکت نکردن یکی از طرفین مانع رسیدگی نبوده و موجب غیابی تلقی شدن رای صادره نیز نخواهد بود؛ چرا که در عرصه بین الملل اصولاً رای غیابی بی معناست. در شرایط کنونی نمی توان تکرر رو به تزايد مراجع و نهادهای قضایی را در سیستم قضایی بین المللی انکار کرد و به زعم برخی صاحب نظران، همین توسعه و تکرر نهادهای قضایی و داوری بین المللی برای سیستم حقوق بین الملل مخرب قلمداد می شود، زیرا ممکن است به تعارض در صلاحیت، تصمیمات و شکل گیری رویه های ناهمگون بیانجامد و در نهایت زمینه تهدید حیات سیستم قضایی بین المللی را فراهم آورند. راه حل نه چندان مناسب در مورد رفع تعارضات و بخصوص در مورد تعارضات مربوط به صلاحیت مرجع رسیدگی کننده به اختلافات اینست که دادگاه ها و دیوان های بین المللی در تعیین صلاحیت، صلاحیت دارند و خودشان معین می کنند که در قضیه ای صالح به رسیدگی هستند یا صلاحیت رسیدگی ندارند. در نبود روابط عمودی و سلسله مراتبی میان مراجع حل اختلاف بین

المللی و همچنین نبود یک دیوان عالی بین المللی، هیچ نهادی برای حل مشکلات مربوط به اختلاف در صلاحیت وجود ندارد. صلاحیت هر نهاد حل اختلاف در اساسنامه ای مجزا و متفاوت مشخص شده و چون اساسنامه واحدی موجود نیست که به تعیین صلاحیت دیوان ها و ارتباطشان با یکدیگر بپردازد. در حقوق بین الملل هر دیوان یک سیستم خودبسنده است. اصل صلاحیت بر صلاحیت<sup>۱</sup> یا صلاحیت در تعیین صلاحیت<sup>۲</sup> به مرجع داوری اختیار می دهد تا نسبت به ایراد به صلاحیت داور ناشی از اعتبار و قلمرو موافقتنامه داوری اظهار نظر کند در نتیجه دیوان داوری تشکیل شده در قضیه فیلیپین بر علیه چین نیز تنها مرجع صالح برای تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت برای رسیدگی به اختلاف ارجاع شده از سوی فیلیپین بوده و کشور چین علیرغم میل باطنی ملزم به حضور نزد دیوان داوری و دفاع از خود شد. تصمیم آن کشور مبنی بر عدم مشارکت در فرآیند دادرسی خدشه ای به اعتبار مرجع صالح وارد نکرد و رای صادر شده برای کشور خاطی نهایی و لازم الاجرا قلمداد شد. مراجع بین المللی در رسیدگی های خود دچار محدودیت های متعددی هستند و بطور کلی وقتی میگویم دیوان های بین المللی، حقوق بین الملل را اعمال می کنند، عبارت «بین الملل» باید مفهوم گسترده آن در نظر گرفته شود و شامل تمام قواعدی است که از منابع حقوق بین المللی به دست می آید. حقوق بین الملل با وجود خلع های غیر قابل انکار، در روندی رو به رشد است و در این روند؛ اصل اختیار دولت ها در حل مسالمت آمیز اختلافاتی که صلح و امنیت بین الملل را به خطر نمی اندازند را به چالش کشیده و با تدوین معاهده ها و کنوانسیون های مختلف از جمله فصل ۱۵ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهای (۱۹۸۲) دولت ها را متعهد به حل همه نوع اختلاف می نمایند.

کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهای فاقد سازوکار مشخص و دقیقی برای رفع اختلاف صلاحیتی در صورت تعارض در صلاحیت می باشد و فقط طبق بند ۴ ماده ۲۸۸ کنوانسیون در صورت اختلاف در مورد اینکه آیا یک دیوان یا یک دادگاه صلاحیت رسیدگی بر اختلاف را دارد یا نه، اختلاف مزبور با تصمیم خود آن دیوان یا دادگاه حل و فصل خواهد شد. دیوان داوری پیرو درخواست فیلیپین شروع به رسیدگی بر اختلاف نمود و علی رغم شرکت چین در تمامی مراحل

<sup>۱</sup> Competence-Competence

<sup>۲</sup> Competence to determine Competence . See American Arbitration Association, (2010), p.577



دادرسی، با بررسی تمامی اسناد به رسیدگی خود ادامه داد و با ۲ بخش نمودن رسیدگی، ابتدا حکم بر صدور رای قابلیت پذیرش دیوا و صلاحیت خود نمود و در ادامه رای ماهیتی خود را صادر کرد. دیوان داوری سعی بر حفظ حقوق طرف غائب نموده و تمامی احتمالاتی که می‌توانست از سوی طرف غائب طرح شود را مطرح و بدقت بررسی نمود. با این حال چین رای دیوان داوری را قانونی قلمداد نکرد و آنرا خارج از صلاحیت دیوان و چارچوب و مقررات کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) دانسته و هیچ ارزش و اعتبار حقوقی برای این رای قابل نبود لذا از پذیرش و اجرای آن خودداری نمود. شاید بتوان عدم شرکت چین را مصداق اقدام علیه خود محسوب و از کنار آن گذشت اما در هر حال نمی‌توان منکر ورود خدشه بر رای دیوان داوری شد. رای دیوان با وجود ضعف‌هایی که داشته است قطعی و لازم‌الاجرا است و در حال حاضر تنها راه جبران این نوع ضعف‌ها، توافق مجدد و بعدی طرفین است و نه سازوکار موجود در کنوانسیون حقوق دریاها که در عمل نیز اختلاف طرفین بعد از صدور دیوان داوری همچنان پابرجا ماند و کشور فیلیپین درخواست شروع مذاکرات دوجانبه برای استخراج و بهره برداری از منابع در مناطق مورد اختلاف را داد که پرداختن به این امر خود مستلزم پژوهشی دیگر است.

### کتابنامه

۱. آذری، هادی، (۱۳۹۷). از ماوروماتیس در فلسطین تا جزایر مارشال: تاملی در تحول مفهوم اختلاف در رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۸۵، صفحات ۱۴۷-۱۶۸.
۲. سالاری، اسماء، (۱۳۹۸). اثر جزایر در تحدید حدود مناطق دریایی از دیدگاه رویه قضایی بین المللی، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، شماره ۴، صفحات ۱۰۴۳-۱۰۶۶.
۳. شهبازی، آرامش، (۱۳۸۸). تکثر سیستم قضایی بین المللی، *فصلنامه پژوهش حقوق*، سال دوازدهم، شماره ۲.
۴. مسرور، محمد، حسن‌خانی، محمد، (۱۳۹۷). بازآرایی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی چین، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۱۴، شماره ۲، صفحات ۱۶۸-۱۹۶.
۵. عباسیان، مجید، (۱۳۹۰). *قواعد حقوقی قابل اجرا در داوری های بین الدولی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما خانم دکتر پروین محمدی، دانشگاه پیام نور.

۶. میرزاده، سید محمد حسین. (۱۳۹۷)، بررسی رای دیوان دائمی داوری فیما بین چین و فیلیپین،

*مجله بین المللی پژوهش ملل*. دوره ۳، شماره ۳۳، صفحات ۸۵-۱۰۲.

۷. زهرایی، مرتضی، (۱۳۸۳). ضمانت اجرای آرای دداوری بین المللی، *مجله حقوقی*، نشریه

دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۱، صفحات ۲۰۱-۲۵۸.

8- Permanent Court of Arbitration, (2015), Case N 2013-19, Award on Jurisdiction and Admissibility, An Arbitral Tribunal constituted under Annex VII to the 1982 United Nations Convention on the Law of the Sea, The Republic Of The Philippines v. The People’s Republic of China.

9- Permanent Court of Arbitration, (2014), Bay of Bengal Maritime Boundary (Bangladesh v. India), Award of The Bay of Bengal Maritime Boundary Arbitration.

10- International Tribunal for the Law of the See, (2013), Arctic Sunrise (Kingdom of the Netherlands v. Russian Federation), Provisional Measures.

11- ICJ Reports, (2011), Application of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Georgia v. Russian Federation), Preliminary Objections, Judgment.

12- ICJ, (2007), Case Concerning Territorial and maritime Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea, Nicaragua v. Honduras.

13- Permanent Court of Arbitration, (2015), Chagos Marine Protected Area (Mauritius v. United Kingdom), An Arbitral Tribunal Constituted under Annex VII of the United Nations Convention on the Law of the Sea.

14- ICJ Reports, (1974), Fisheries Jurisdiction (United Kingdom v. Iceland), Merits.

15- Gary Born, , (2014), International Commercial Arbitration, Vol. 3.

16- ICJ Reports, (1950), Interpretation of Peace Treaties with Bulgaria, Hungary and Romania, First Phase, Advisory Opinion.

17- ICJ Reports, (1998), Land and Maritime Boundary (Cameroon v. Nigeria), Preliminary Objections, Judgment.

18- PCIJ, (1924), Series A, No. 2, Mavrommatis Palestine Concessions, Jurisdiction.

19- ICJ Reports, (1974), Nuclear Tests (New Zealand v. France), Judgment.

20- ICJ Reports, (1962), South West Africa (Ethiopia v. South Africa; Liberia v. South Africa), Preliminary Objections, Judgment.

21- ICJ Reports, (1980), United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States v. Iran), Judgment.

22- Dupuy, (1994). “Pierre-Marie International Control and State Responsibility”, in *Völkerrecht zwischen normativem Anspruch und politischer Realität: Festschrift für Karl Zemanek*.

- 23- Fleischhauer, Carl-August, (1997), The Relationship Between the International Court of Justice and the Newly Created International Tribunal for the Law of the Sea in Hamburg, in 1 Max Planck Y.B. U.N. L.
- 24- Guillaume, Judge Gilbert, (2001), (Speech to the General Assembly of the United Nations, 30 October 2001). Available at: <http://www.icjci.org/icjwww/ipresscom/iprstats/htm>.(last visited 10.11.2007).
- 25- Higgins Rosalyn, (2006), Address to the Plenary Session of the American Society of International Law Annual Meeting.
- 26- Kennedy David, (1999), the Disciplines of International Law and Policy, 12 Leiden J. Int'l L.
- 27- Kingsbury, Benedict, (2005), the Administrative Law Frontier in Global Governance, 99 Am. Soc'y Int'l L. Proc.
- 28- Kolb, R. (2013), La Cour Internationale de Justice, Pedone.
- 29- Magraw, Daniel Barstow, (2010), Tribute to Louis B. Sohn, LOUIS B. SOHN, Architect of the modern international legal system, Harvard International Law Journal, no.48.
- 30- Ndiaye, T. M. (2007) "la recevabilité devant les juridictions internationales", in Tafsir Malick Ndiaye, Rüdiger Wolfrum (ed), Law of the Sea, Environmental Law, and Settlement of Disputes: Liber Amicorum judge Thomas A. Mensah, Martinus Nijhof publishers.
- 31- Schwebel Stephen M(1999), (Address to the Plenary Session of the General Assembly of the United Nations, 26 October ).
- 32-<https://www.acerislaw.com/refusing-to-participate-in-arbitration-proceedings>.